

مرزبانان خورشید ۳

سفر سرخ
دینوک
مسلم بن عقیل عليه السلام
فروشگاه تخصصی کتب دینی

مجید مسعودی



سرشناسه: مسعودی، مجید، ۱۳۳۲
 عنوان و نام پدیدآور: سفر سرخ: مسلم بن عقیل رضی الله عنه / مجید مسعودی؛ ویراستار:
 فرید مسعودی.
 مشخصات نشر: تهران، حمزه، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ صفحه
 فروست: مرزبانان خورشید: ۳.
 شابک: ۳-۰۸-۶۵۸۷-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۹۳-۹۴.
 موضوع: مسلم بن عقیل رضی الله عنه: ۶۰ق، واقعه کربلا، ۶۱ق.
 رده بندی کنگره: ۴ / ۴۲ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۳۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۹۷۹۵۱



سفر سرخ

سفر سرخ	نام کتاب:
مجید مسعودی	نویسنده:
نشر حمزه	ناشر:
فرید مسعودی	ویراستار:
امیرشاهرخ فریوسفی	طرح جلد:
هشتم / پاییز ۱۴۰۲	نوبت چاپ:
۵۰۰ نسخه	شمارگان:
سورنا	چاپ و صحافی:
۳-۰۸-۶۵۸۷-۹۶۴-۹۷۸	شابک:

فروشگاه تخصصی کتب دینی

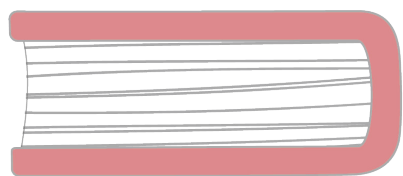
تلفن مرکز پخش:

۰۹۱۲۴۱۴۷۶۶۲ - ۰۲۱۲۶۵۶۸۵۴۰

نشر حمزه



فروشگاه تخصصی کتب دینی



دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی

فهرست

۷ مقدمه : سفیرِ شورش در خلق عالم

فصل اوّل

خروج غریبانه

۱۷ وداع با مدینه

۲۲ اقامت در مکه

۲۳ نامه‌های کوفیان به حسین بن علی علیه السلام

۲۴ نامهٔ حسین بن علی علیه السلام به کوفیان

فصل دوم

فرستاده

۲۹ مردی از تبار بنی‌هاشم

۳۲ ورود مسلم به کوفه

۳۴ نامهٔ مسلم بن عقیل برای حسین بن علی علیه السلام

۳۴ ورود شوم

۳۷ در خانهٔ هانی بن عروّه

۳۸ نقشهٔ ترور ابن زیاد

- ۴۰ دسیسۀ ابن زیاد
- ۴۱ هشتم ذیحجّه؛ مگه.
- ۴۵ هشتم ذیحجّه؛ کوفه
- ۴۵ هانی در قصر ابن زیاد
- ۴۸ خروج مسلم رضی الله عنه
- ۴۹ شایعه و تفرّق
- ۵۱ غروب غمگین
- ۵۳ تنها در کوچه‌های کوفه.
- ۵۵ بیتوتهٔ مُسلم در خانۀ طُوعه



- ۶۱ نهم ذیحجّه؛ کوفه
- ۶۳ نبرد نابرابر
- ۶۶ بر درگاه قصر ابن زیاد
- ۷۰ در قصر ابن زیاد
- ۷۵ بر بام قصر، یا بام آسمان
- ۷۸ تار و ضۀ رضوان
- ۸۰ حسین بن علی رضی الله عنه و شهادت مسلم

فصل چهارم

یاری اندر کس نمی بینیم

- ۸۵ هانی بن عُرّوه
- ۸۶ بارگاه مسلم و هانی
- ۸۷ و اما بعد
- ۹۳ کتابنامه

مقدمه:

سفیر شورش در خلق عالم

بدون شک ماجرای مسلم بن عقیل - در ظاهر - با آنچه در کربلا روی داده است رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا به نظر می‌رسد که حسین بن علی علیه السلام به اعتبار نامه مسلم - مبنی بر این که کوفیان جملگی با آن حضرتند - راهی آن دیار پر مکر و فریب گردیده است. در حالی که این رابطه نزدیک، تنها می‌تواند وجهی از وجوه هفتادگانه رستخیز عظیمی باشد که نامش محرم است.

مثلاً اگر به چند ماه گذشته و به زمانی باز گردیم که امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه حرکت نموده‌اند، از متن وصیت آن حضرت به برادر خود محمد بن حنفیه، می‌توان وجوه و دلایل دیگری را نیز استنباط نمود:

... وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَأَ وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ

وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَآبِي عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ
حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.^۱

... به یقین که خروج من؛ نه برای سرکشی و سرخوشی، و نه فساد و ستمگری است؛ بلکه برای اصلاح امور امتِ جدّم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، و بدین وسیله خواسته‌ام که امر به معروف و نهی از منکر نموده و راه و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را پیروی کنم. اکنون اگر کسی این حقیقت را از من پذیرفت، پس خداوند سزاوارتر است به حقّ. و آن کس که نپذیرفت، صبر خواهم کرد تا خدای تعالی در میان من و این جماعت حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است.

دیدن همین متن کوتاه اما پر راز و رمز، کافی است که یک مؤمن زیرک و با فراست را به تفکر واداشته تا دربارهٔ انگیزهٔ خروج امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از مدینه به مکه و سپس به کربلا؛ بیشتر بیندیشد و ابتدا از خود بپرسد: به راستی چه حادثه هولناکی در دین پیامبر اسلام رخ داده است که این گونه امت را به فساد و تباهی کشانده، تا جایی که فرزند پیامبر، در پی اصلاح آن برخاسته است؟ یا این که چه دگرگونی و انحرافی در امر به معروف و نهی از منکر روی داده که آن حضرت، ارادهٔ احیای آن را دارد؟ یا چه بر سر سیرهٔ پیامبر و وصی پیامبر آمده است که امام

۱. مقتل الحسین مقرّم، ص ۱۳۹. مقتل ابومخنف، ص ۲۴

حسین علیه السلام بازگشت آن را در راه و رسم خود می‌پوید؟
و سپس - این مؤمن زیرک و با فراست - به این نتیجه برسد که چه
بسا واقعه کربلا و فرستادن مسلم بن عقیل هم به کوفه، با حقایق بیان
شده در این وصیت، بی ارتباط نباشد.

اما با اندکی تأمل و درنگِ فهیمانه پیرامون این پرسش‌ها، شاید بتوان
به زمان دورتری نیز سفر کرد و به این نتیجه هم رسید؛ که نکند اساس و
شالوده کُشتار فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در صحرای کربلا و ماجرای
طلایه‌دارش (مسلم) در سایه همان سایبانی که سقیفه‌اش^۱ می‌نامند، پی
نهاده شده و سپس راه برای آیندگان هموار گشته است.

یا ممکن است این وصیت، در اصل، یادآور مصائب تلخی باشد که در
سقیفه روی داده، و سخن از فساد باشد که قرآن درباره‌اش می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^۲

فساد در خشکی و دریا، به خاطر کارهایی که مردم کرده‌اند، آشکار

شده است.^۳

۱. سقیفه محلی بوده است در مدینه که عده‌ای از مهاجرین و انصار - به رهبری اولی و دومی - پس از
رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا جمع شدند، و علی‌رغم وصیت اکید پیامبر (در غدیر خم) مبنی
بر جانشینی علی علیه السلام پس از آن حضرت، به انتخاب و انتصاب خلیفه مسلمین پرداختند. و این در
حالی بود که علی علیه السلام هنوز مشغول غسل دادن بدن مبارک پیامبر بود و اهل بیت آن حضرت همه
در سوگ و ماتم و عزا بودند.

۲. سوره روم، آیه ۴۱

۳. در تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۵۰، ح ۸۳۶۳؛ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «به خدا سوگند تأویل این
آیه، باز می‌گردد به آن زمان که انصار گفتند از میان ما امیری باشد و از میان شما نیز امیری.

اما حقیقت این است که نتایج به دست آمده، با شاید و گویی و چه بسا و ممکن است و... نمی تواند قانع کننده و پذیرفتنی باشد، بلکه می باید در این رابطه، حتماً به یقین رسید و پاسخ مُتَقَن و معتبری ارائه داد. از طرفی هم، با یادآوری احادیثی از نوع این حدیث که می فرماید:

كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ^۱

هر آنچه از در این خانه (خانه اهل بیت علیهم السلام) بیرون نیامده باشد، باطل است.

دایره یقین، تنها در چهارچوب قرآن و فرمایشات معصومین علیهم السلام (ثقلین) محصور می شود و از این رو، هیچ نمی توان بیغوله ها^۲ را سر زد و انتظار رسیدن به مقصودِ مرضیِ خداوند و پیامبر را داشت. بنابراین، هرگز یقینی به دست نمی آید مگر با رجوع به فرموده های مآثور^۳ از معصومین علیهم السلام که در هر بُرهه از زمان و بنا به مقتضیات زمانه، امر دین را - از هر نظر - احیا نموده اند و از آن جمله؛ وقایع صحیح تاریخ است که بدون هیچ اعوجاج و جانبداری و تحریفی بیان شده است. به عنوان مثال، یکی از همین مواردِ مآثورِ خلل ناپذیر، وجود «زیارت جامعه ائمه المؤمنین» در مآخذ شیعه است که تاریخ فشرده ای از صدر اسلام و پس از آن را ضمن زیارتنامه ای، به بهترین صورت و کامل ترین وجه بیان می کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۴، ح ۳۳۲۳۶ از امام باقر علیه السلام.

۲. بیراهه، ویرانه، جای تنگ و تاریک

۳. روایت شده، سینه به سینه

به بیان دیگر، این زیارتنامه به ما می آموزد که چگونه از بطن عباراتی کوتاه و مفاهیمی موجز، به دریایی از حقایق مسلم و صحیح تاریخ برسیم. و لذا خطاب به این بزرگواران عرض می کنیم:

ای سروران من، ای خاندان رسول خدا!

من به خداوند و شما تقرب می جویم؛ به مخالفت کردن با کسانی که: با شما خدعه نمودند، بیعت شما را شکستند، ولایت و مقام و منزلت شما را انکار کردند، رشته طاعت را از گردن باز نمودند و اسباب دوستی تان را به سویی افکندند.

همان کسانی که: با بیزاری و روگردانی از شما، به فراعنه خود نزدیک شدند و شما را باز داشتند از این که: حدود الهی را اقامه کنید، منکران را ریشه برکنید، شکافها را التیام بخشید، رخنه ها را ببندید، کجی ها و ناراستی ها را سامان دهید، احکام را جاری سازید، اسلام را ببارانید و گناهان را از میان بردارید.

همان کسانی که: عبار جنگ و آشوب را علیه شما بر پا کردند، تیغ کینه ها را به روی شما برکشیدند، پرده های احترامتان را دریدند، با سهم خُمس شما شراب خریدند و سهم زکات مساکین را خرج دلقک ها و مسخره کنندگان نمودند.

این همه، بدان جهت بود که راه را برای آنان هموار کردند، آن فاسقان گمراه و حسودان ستمگر. همان مردمان پیمان شکن خیانت پیشه ناسازگار نیرنگ باز؛ با دلهایی گندیده و بدبواز پلیدی شرک، و بدنهایی آکنده از آلودگی کفر.

... پس آن گاه که پیامبر ﷺ در گذشت، فرصت را غنیمت شمردند و بر آل رسول ﷺ شبیخون زدند، آن گونه که حرمتها را دریدند، بر بستر

مرگ آن حضرت بانگ بی وفایی زدند، در شکستن پیمان خود شتافتند و عهد‌های محکمی را که بر جانشینی علی علیه السلام بسته بودند، نادیده گرفتند. همچنین در امانت عرضه شده (ولایت و خلافت علی علیه السلام) بر کوه‌های سخت که از پذیرفتنش سر برتافتند، خیانت کردند و سرانجام، بار خلافت را آن انسان بسیار ظالم نادان (اولی) بر خود هموار کرد.^۱ ... و بدین سان به اهل شُبَیْهه اجازه دادند که در کربلا - اهل بیت برگزیده حق را بکشند، نسل او را براندازند، حریمش را بشکنند و

یارانش را از دم تیغ بگذرانند.

... و شما - ای سادات و سروران من - در این میان به روش‌های گوناگون کشته شدید:

یکی با فرق شکافته به شمشیر، در محراب عبادت.

یکی مسموم از زهر جفای نزدیکان و پاره پاره کفن، بر تابوت.

یکی کشته در بیابان و سرش برنیزه، گردان در شهرها.

یکی دست و پا بسته به زنجیر و در هم کوفته، از بارِ گران آن.

یکی پاره پاره گشته جگرش از جرعه جرعه‌های زهر و...^۲

پس با این رهنمودها و دلایل بسیار دیگری - که جای طرح آنها در این مقدمه نیست - می‌باید به این نتیجه قطعی رسید که ماجرای مسلم بن عقیل هم در رابطه با وقایع کربلا، یقیناً ریشه در گذشته‌های دور و حتی کینه‌های به جامانده از جنگ‌های بدر و أُحُد و خُندق و حُنَین و... دارد. حال اگر بگوییم که این سفر سرخ؛ تنها برگگی از کتاب عظیم تاریخ

۱. اشاره به آیه ۷۲ سوره احزاب: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ائمه المؤمنین (با ترجمه آزاد)

اسلام است و فصلی کوتاه از قیامت دنیا، سخنی بحق گفته ایم. و اگر نام و یاد محرّم، هر ساله پیام آور شورش در خلق عالم باشد، بدون شک مُسلم بن عقیل سفیر این شورش است که در نهایت، هیچ نمی دانیم:

باز این چه شورش است که در خلق عالمست

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتمست

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است

این صبح تیره بازدمید از کجا کزو

کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب

کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خانمش قیامت دنیا بعید نیست

این رستخیز عام که نامش محرّم است^۱

شیوه تحقیق

مبنای تحقیق، استفاده کلی از منابع معتبر شیعی همچون: الارشاد، لُهوف، مُثیر الاحزان، مقتل ابو مخنف، اعیان الشیعه، بحار الانوار،

نفس المهموم، مقتل الحسين مقررّم و شهيد مسلم بن عقيل عليه السلام بوده^۱؛
بدین سان که اعتماد بر مشترکات و مسلّمات شده و اقتباسی از همه آنها
صورت گرفته است.

اضافه بر این، هر جا که ضرورت ایجاب نموده و یا نقل قولها بدون
دخالت عناصر داستانی بازگو شده، مأخذ آن در پانویس آمده است.
البته در این میان، به مواردی هم که از نظر نگارنده، با مقام، منزلت،
فراست، کیاست و ایمان مسلم بن عقيل عليه السلام و یاران نزدیکش مغایرت
داشته، هیچ اشاره‌ای نشده است.

مجید مسعودی

تهران - زمستان ۱۳۸۳

دینوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

۱. مشخصات کامل این کتابها در کتابنامه آمده است.